

www.ketab.ir

سه‌شنبه‌ها با موری

مرد پیر، مرد جوان و بزرگترین درس زندگی

نویسنده: میچ آلوم

مترجم: رضا زارع

مختصرات والاکن خرد

مشتبہا با موری

(مرد پیر، مشہور ترین درس زندگی)

نویسہ: میچ آلبم

مترجم: رضا زارع

ویراستار: محمد عبدالستار

نوبت چاپ: اول - ۷

چاپ: آریا

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۷۸-۱۵-۵

فهرست

۷	رنامه درس
۱۱	موضوع درس
۱۹	دانشجو
۲۵	سمعی و بصری - قسمت اول
۳۳	اولین ملاقات
۳۹	کلاس درس
۴۹	حضور و غیاب
۵۷	سه‌شنبه نخست؛ جهان
۶۵	سه‌شنبه دوم؛ دلسوزی برای خود
۷۳	سه‌شنبه سوم؛ حسرت
۸۱	سمعی و بصری - قسمت دوم
۸۵	درباره‌ی استاد - قسمت اول
۹۱	سه‌شنبه چهارم؛ مرگ
۱۰۱	سه‌شنبه پنجم؛ خانواده
۱۱۱	سه‌شنبه ششم؛ احساسات
۱۲۱	درباره‌ی استاد - قسمت دوم

۱۲۹	سه‌شنبه هفتم؛ ترس از پیری
۱۳۵	سه‌شنبه هشتم؛ پول
۱۴۱	سه‌شنبه نهم؛ عشق
۱۵۳	سه‌شنبه دهم؛ ازدواج
۱۶۳	سه‌شنبه یازدهم؛ فرهنگ
۱۷۱	سمعی و بصری - قسمت سوم
۱۷۵	سه‌شنبه دوازدهم؛ بخشش
۱۸۱	سه‌شنبه سیزدهم؛ یک روز مطلوب
۱۸۹	سه‌شنبه چهاردهم؛ خداحافظی
۱۹۵	مراد فار التحصیلی
۱۹۷	سر انجام

برنامه درسی

آخرین کلاس درس زندگی استاد کهنسال و پیر من هفته‌ای یک‌بار داخل منزلش تشکیل می‌شد. در باق‌العنه کنار پنجره‌ای که می‌توانست از آنجا گیاهی که برگ‌های صورتی‌اش در حال ریزش طبیعی بود و نامش بامیه بود را تماشا کند. کلاس درس روزهای سه‌شنبه بعد از خوردن صبحانه، با موضوع «هستی‌شناسی» تشکیل می‌شد.

استاد با توجه به تجربیاتش به شاگردان آموختن می‌داد. نمره‌ای بابت درس‌ها داده نمی‌شد، ولی هر هفته امتحان شفاهی گرفته می‌شد. به این طریق که شاگردان باید به سؤالاتی که از آن‌ها پرسیده می‌شد، جواب می‌دادند و هر سؤالی هم که خودشان داشتند، می‌پرسیدند. در ضمن گاهی اوقات هم ناچار به انجام یک سری واکنش‌های فیزیکی بودند، مانند بلند کردن سر استاد و قرار دادن آن در بهترین وضعیت روی بالش، یا درست قرار دادن عینک استاد روی بینی‌اش. و در آخر هم بوسیدن استاد که خودش نوعی امتیاز به‌شمار می‌رفت. احتیاجی به کتاب نبود، چون هنوز درس‌های زیادی بودند که به آن‌ها پرداخته نشده بود؛ از جمله عشق، کار، اجتماع، خانواده، پیری و عفو و بخشش و در نهایت مرگ.

آخرین درس، خیلی مختصر بود. فقط در حد چند کلمه. به‌جای مراسم جشن فارغ‌التحصیلی، مراسم خاکسپاری برگزار شد. باوجودی که کسی آزمون پایان‌ترم نمی‌گرفت، ولی وظیفه داشتی هرآنچه را که آموخته‌ای در قالب یک مقاله‌ی بلند به‌صورت مکتوب تهیه کنی. حالا این مقاله مکتوب این‌جا ارائه شده است.

آخرین کلاس درس زندگی استاد کهنسال و پیر من فقط یک دانشجو داشته و آن دانشجو کسی نبود. جزء من.